



میرزا زین العابدین مؤتمن الاطبا، حکیم دربار ناصری

پدیدآورده (ها) : روستایی، محسن

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1379 - شماره 39 و 40
از 48 تا 62

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92291>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 14/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

میرزازین العابدین خان طبیب، بزرگ و سر سلسله خاندان مؤتمن، بااصالتی کاشانی در سال ۱۲۴۷ق. (۱۲۱۰ش.) در شهر تهران صله پامتار، گوجه حمام کاشانی ها دیده به جهان گشود(۱). او در اوآن کودکی نزد پدر خود میرزا محمد که از مستوفیان دربار و دستگاه دیوانی محمدشاه قاجار بود و از طرفی با کمک معلمین سرخانه به تحصیل علوم قدیمه، متون نظم و نثر و علوم ادبیه و عربیه اشتغال ورزید. وی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی علاقه ای وصف ناپذیر به فراگیری علم طب در خویش احساس و دیری نمی گذرد که در زمره محصلین مدرسه مبارکه دارالفنون پذیرفته می شود(۲). از این رو میرزازین العابدین خان کاشانی با همتی عالی نزد طبیبان استادی چون: علی اکبر خان ناظم الاطباء، حکیم کلوک، حکیم پولاک و از

از شاگردان در رتبه او نیستند. این نوشته را بدون خلاف و ملاحظاتی غرض آمیز به او ادا می... دکتر شلمیر هلندی نیز حق او را بهتر به جای می آورد و گواهی می دهد که میرزازین العابدین کاشانی مدت چهار سال است که بی اهمال درس تشریح و علم اعمال ابدان و شیعی حیوانی (۵) و امراض عمومی و مختصه و علم برادویه و ساختن آنها... را خوانده و مدرک و حافظه و علم و عمل او بیش از آن است که مقرب الخاقان حکیمباشی طولوزان اعتراف نمودند(۶).

با این وصف زین العابدین خان طبیب در سال ۱۲۷۸ق. پس از دریافت یک قطعه نشان طلا به منصب حکیمباشیگری کرمانشاهان منصوب و بعنوان طبیب مخصوص دارالولایه کرمانشاه

میرزازین العابدین مؤتمن الاطبا

حکیم دربار ناصری

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

محسن روستایی

رهسپار آن دیار می شود و از سر اخلاص به ایفای وظیفه مبادرت می ورزد(۷). در این ایام همواره از سوی عمادالدوله (امام قلی میرزا(۸) حاکم ولایت کرمانشاهان به او فرصتی داده می شد که سالی یک بار برای سرکشی عهد و عیال و رفتن و رفتن امور به تهران بیاید. نقل است که وی روزگار پانزده ساله حضر و اقامت خود در ولایت گومانشاه را از بی حاصلترین دوران زندگی اش به شمار می آورد. زیرا که عمادالدوله مردی بی خیر و خسی النفس بود و در پرداختن حیره و مواجب حکیمباشی میرزازین العابدین خان از خود حساست نشان می داد(۹).

با این وجود عمادالدوله در غیاب زین العابدین حکیم درمی یافت که چه مصیبت و معضل بزرگی گریبان بیماران ولایت کرمانشاه را فرا می گیرد. در عین حال برای همه مسلم شده بود که هیچ طبیب دیگری نیز شایستگی جانشینی او را در علاج مرضی نخواهد داشت. چنانچه در سال ۱۲۸۵ق. برای مدت کوتاهی میرزازین العابدین

مکتب دکتر شلمیر هلندی و حکیم طولوزان فرانسوی و ... بهره ها برد و در طب قدیم و جدید ایرانی و فرنگی به تلمذ می پردازد(۱۰). با گذشت چندین سال و تحمل رنج و ممارست بسیار میرزازین العابدین در سن ۳۰ سالگی (در سال ۱۲۷۷ق.) از تحصیل طب فراغت می یابد و با استشهاد و تصدیق صاحب منصبان و طبیبان معروف فرنگی و ایرانی و با مهر تأیید حکیم طولوزان به اخذ دیلم طب و پرداختن به شغل طبابت و شفای مرضی نایل می آید(۱۱).

حکیم طولوزان پس از اینکه در امتحان پایان دوره محصلین طب در مدرسه مبارکه دارالفنون حضور می یابد. دوباره میرزازین العابدین می گوید: در این روزها که این بنده در مجلس امتحان مدرسه مبارکه دارالفنون حاضر شدم و شاگردان طب جراحی و تشریح را در معرض امتحان در آوردم و تعیین مرتبه هر یک می شد. آنچه بعد از دقت بسیار بر این بنده محقق و معلوم شد، میرزازین العابدین در مرتبه اول شاگردان طب و جراحی و تشریح است و هیچ کسی

حکیمباشی را روانه کنید. انترام از غلام گرفته شده است که دو روزه به خرم آباد برسد و با حکیمباشی دو روزه خود را به کرمانشاهان برساند. یک ساعت او را معطل ننموده به محض وصول این ملفوفه مشارالیه را روانه بنمایید(۱۱)»

باری زین العابدین خان حکیم پس از چند سال تحمل سختی و ملازمت ولایات غرب کشور به تهران بازگشت و بعنوان طبیب مخصوص ناصری به دربار فراخوانده شد. صاحب کتاب مرآة البندان سرتوشت مهاجرت زین العابدین خان طبیب را از دارالولایه کرمانشاه تا دربار ناصری چنین بیان می کند: «که میرزازین العابدین وند میرزامحمد کاشانی پس از فراغت تحصیل مدتی مشغول خدمات محوله بود. برحسب خواهش مرحوم عمادالدوله مأمور کرمانشاهان گردید. بعد از چند سال (۱۲۷۸ تا ۱۲۹۹ ق.) احضار به دارالخلافه شده در سلک اطبای حضور همایون منسلک (درآمده در گروه اطبا) و جزء اجزای حافظالصحه و به تصدیق جناب دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام ملکه در علم و عمل جراحی اول شخص است (۱۲)».

بدین ترتیب میرزازین العابدین کاشانی رفته رفته به طبیبی کامل و معالجهی ماهر مبدل می شد و در جمیع شعب این فن شریف نهایت حذاقت را کسب می کرد. بخصوص در اعمال ید و جهات جراحی او طبیبی جامع مابین دو طریقه مشرق زمین و اروپایی بود. گذشته از نبحر در فنون اصلیه طبابت همگی او را در دینداری، نیک نفسی و خوشخویی از اقربان ممتاز عصر خود می دانستند (۱۳). ناصرالدین شاه هم او را مردی سلیم النفس و محرم می دانست و طبابت خاصه انیس الدوله (۱۴) سوغلی خویش را به او سپرده بود. گویا در سفر خراسان (۱۳۰۰ ق.) زین العابدین خان حکیمباشی به اشاره شاه و با مهارتی خاص چند عمل جراحی مهم را بر عهده داشته است. و مرضایی را که غده های بزرگ و مهبی سردست و گردن و دهان داشتند به خوبی معالجه کرد (۱۵). تا این اوصاف نامیراندین شاه قاجار در سال ۱۳۰۲ ق. طی حکمی این طبیب شایسته را به لقب «موتمن الاطباء مفتخر داشت و نیات خود را از صدور حکم و فرمان مزبور چنین بیان می کند:

«از آن جا که الطاف بلامتناهی شاهنشاهی مسبوق طابع سلیمه (۱۶) است و مصالح قلوب سلیمه به شارح صدور (۱۷) حسنه است و مفتوح ابواب بسته بر طبع مرحمت نبی (۱۸) ملوکانه واجب شمرده ایم. آنان را که به رتبت یافته این عهد مبارک و مخصوصاً در علم ابدان نشان حذاقت و گوی سبقت از همگان ره بوده باشند به موهبتی شایان بین الامم (۱۹) و الاقران (۲۰) مفتخر فرماییم. علیهذا نظر به ظهور نیافت عالیجاه مجدث همراه مقرب الخاقان میرزازین العابدین طبیب کاشانی است که از اطبای مخصوص حضور ساطع النور (۲۱) همایون و به فرط قابلیت مستوجب بذل عنایت شاهانه است از هذ السنه قوی نیل سعادت دلیل (۲۲) مشارالیه به لقب موتمن الاطباء مهابی (۲۳) و مبلغ سیصد تومان اضافه بر مواجب سابق او فرمودیم که همه ساله اصلا اضافه دریافت و به شغل



حکیمباشی به ولایت خرم آباد و لرستان اعزام می شود تا به درمان مریضه و یکی از وابستگان نزدیک حکمران لرستان پردازد. متعاقب آن عمادالدوله در چهارشنبه ۱۷ ربیع الاولی با پریشان حالی و دل نگرانی طی نامه ای چنین می نویسد:

«مقرب الخاقان: سابقاً به جهت آمدن عالیجاه میرزازین العابدین حکیمباشی غلام مخصوص به جاپاری امور کردیم. غلام معاودت کرد و مشارالیه بنا به نوشته ای که به نور چشم ارجمند کامکار صادم الدوله (۱۰) - حفظ الله نوشته بودید، ملاحظه کردیم از قراب معلوم احوال مریضه شما بهتر شده است و ما در این جا جمعی مریض داریم و وجود عالیجاه حکیمباشی لازم است. دستور العمل چهل روزه مریضه شما را بدهد و بدون مکث با این غلام مخصوص روانه بشود. ممکن است بعد از آنی که آمد و مریض های این جا را معالجه کرد اگر به دستور العمل چهل روزه که داده است رفع ناخوشی مریضه شما نشد، باز معاودت کند خیلی اوقات مبالغه است و می دانید که در این جا حکیمی که بتواند بعضی معالجات را از عهده برآید ندارد. بدون تردید و معطلی البته البته محض ورود این غلام باید

خدمات خود مواظب باشد. مقرر آنکه کتاب سعادت اکتساب شرح فرمان همایون رانیت نموده در عهده شناسند. شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۳۰۲ (۲۴).

این حکم و دریافت لقب مؤتمن الاطبا برای زین العابدین خان طبیب در آغاز بیشتر جنبه تشریفاتی پیدا کرد و مدنها گذشته بود و هنوز اضافه حقوقش را که از سوی شاه برای تمجید از خدمات او در نظر گرفته شده بود پرداخت نمی کردند. طبیب دربار از ناچاری به شاه شکایت کرد. ناصرالدین شاه هم با قیافه ای حق به جانب به او می گوید: «حکیمباشی دستخط با من است اما پیدا کردن محل (یعنی کسی باید بمیرد تا پول آن را برای تو جایگزین کند با از طریق بودجه یکی از ولایات پرداخت شود)» (۲۵).

بنابر دلایلی که شاید بر ما معلوم نیست بیماری سنگ مثانه در عصر قاجار بخصوص در عصر ناصری و پس از آن بوفور شیوع داشته و عمل و جراحی سنگ مثانه آن چنان اهمیت داشته است که صاحب کتاب المانر و الاثر طبیبی را حاذق می داند که توانسته باشد از طبیبان فرنگی در مان و جراحی این بیماری را بخوبی آموخته باشد. در باب هشتم کتاب آمده است: «این زمان از حکیمباشیان خاصه شریفه کسانی هستند که بر آوردن سنگ از دکترهای فرنگ گذشته اند به تخصیص معتمد الخاقان میرزا زین العابدین خان مؤتمن الاطبا نایب خاص دکتر طولوزان فرانسوی. از آن حمله است که هزاران سنگ بر آورده و یکی نمرده است. البته این کار خیرسنگ مثانه به اهتمام دکتر یولاکی معلم علم طب در ایران دایر شد که مشارالیه به شاگردان خود بخوبی آموخته بود و خود او تقریباً در عرض یکسال ۲۳ سنگ مثانه بیرون آورده بود» (۲۶).

در زمان بازگشت ناصرالدین شاه از سفر سوم فرنگستان هم مؤتمن الاطبا به ملترمین رکاب می پیوندند و در مسیر راه بارها بسیاری از ناخوشیها را درمان می کند و سنگ های مثانه چندان از همراهان شاه را بیرون می آورد. از قول شاه سیاح قاجار در کتاب روزنامه خاطرات در سفر سوم می خوانیم: «... سیدابوطالب روضه خوان سنگ مثانه داشت میرزا زین العابدین سنگش را در آورد. بعد از دو سه ماه بیضه هایش ورم می کند مؤتمن الاطبا بیشتر می زند احوالش خوب می شود و راست راه می رود ... میرزا علی خان هم پسرش سنگ مثانه داشت. زین العابدین حکیم آن را بیرون می آورد. میرزا علی خان سنگ مثانه پسرش را میان شیشه گذاشته بود. چیز کثیفی بود. در ۲۰ شهر ذی حجه الحرام (۱۳۰۶) هم چند روزی نواب گلین خانم نگاهت بسیار شدیدی داشتند به معالجه مؤتمن الاطبا به کلی بیمارش رفع شده» (۲۷).

در این که مؤتمن الاطبا در بر آوردن سنگ مثانه و درمان دیگر بیماریها مهارت و وصف ناپذیری داشته است شکی نیست ولی در مورد و مواردی اندک هم به چشم خورده که حال زار بیمار آن چنان بوده که حتی عمل بی نقص او نیز در نجات مریض کارساز نبوده است. در کتاب گزارشهای نظمیه از محلات تهران حکایتی نقل شده است که میرکلاب شاه نام بربری سنگ مثانه داشت روز قبل مؤتمن الاطبا

بیرون آورده بود. امروز فوت کرده است» (۲۸).

با گذشت زمان زین العابدین خان مؤتمن الاطبا تا سال ۱۳۱۳ ق. بر سر شغل خود پایدار بود. ولی پس از قتل ناصرالدین شاه بواسطه ضعف پیری و تغییراتی که در تشکیلات دربار پیش آمده بود، صلاح کار را بر آن دید که از خدمت حکیمباشی گری دربار کناره و تقریباً گوشه نشینی و انزوا را پیشه کند. و فقط در مکتب (مطب) شخصی خود به درمان مرضی مبادرت ورزد. دو سال بعد بواسطه عارضه چشم و لزوم معالجه فوری مجبوری می شود که به اروپا مسافرت کند، اما برای انجام این سفر دستش تنگ بود و به دنبال چاره می گشت. از قضا روزی که به حضور مظفرالدین شاه رسیده بود به عادت اینکه می بایست برای رفتن از شاه کسب اجازه کند موضوع را با شاه در میان گذاشت. شاه همیشه بیمار قاجار هم به پاس زحمات گذشته او در دربار و شفای مرضی، مبلغ بانصد تومان وجه نقد و عصای مرصعی که در همین حدود ارزش داشت به او بخشید و به این ترتیب مخارج سفرش تامین شد (۲۹).

افزون بر آنچه یاد شد از خاطرات خانوادگی مؤتمن الاطبا و اسناد مکتوبی که در دست است چنین برمی آید که در روزگار حیات این طبیب نامی، رجال شاخص و نامبرداری چون فرهاد میرزا محمدالدوله (۳۰) عموی صاحب ذوق و ادیب ناصرالدین شاه و کامران میرزا نایب السلطنه (۳۱) با او از سرشوق و رضا حشر و نشر داشته اند. آنان بیشتر مجذوب شیرین زبانی و صحت نفس مؤتمن الاطبا شده بودند. نایب السلطنه کامران میرزا با اینکه طبیب حاذقی چون فیلسوف الدوله (۳۲) را در اختیار داشت. اما زین العابدین خان کاشانی را در سفرهای پیش آمده به خدمت می گرفت و با اعتقادی راسخ می گفت: من مؤتمن الاطبا را به خاطر طبابت و رفع بیماری ملازم و هم نشین خود نمی سازم بلکه این صحت نفس و منادی روح سلامت یافته اوست که مرا با او دوست و همراه ساخته است (۳۳).

در واقع نیز چنین بود. زیرا گذشته از آگاهی او از دقائق علم طب، در تاریخ و ادب و سیر حکایات و امثال و روایات دینی داشت و بسیار خوش سودا و شکر سخن می نمود. چه این حسن اخلاق و بلند طبعی و ذوق سرشار مرهون تربیت خانوادگی اش بود. که جمله گی اجداد و نیاکان او اهل شعر و ادب به شمار می رفتند. نیای او میرزا احمد شهید منخلص به صورت از مشایخ و صاحب منصبان دربار نایب السلطنه عباس میرزا بود که سرانجام در جنگ های ایران و روس جان خود را در راه دفاع از حیثیت این مردویوم فدا کرد. و به همین دلیل به میرزا احمد شهید معروف شده است. در واقع میرزا احمد صورت از شعرای خوش قریه و سخن سنج زمان خود به شمار می رفته است. که شرح احوال او در کتاب روضه الصفا و مجمع الفصاحی رضاقلی خان هدایت به میان آمده است (۳۴). گفتنی است که از او دیوانی خطی نیز به جای مانده که به سبک شاعران دوره بازگشت ادبی سروده شده است (۳۵).

در حاشیه صفحه اول دیوان خطی صبوری یک رباعی از شاعری

مؤتمن الاطبا و مكاتب چهار گانه

البته مطلبی که می‌بایست به آن اشاره می‌شد، تشکیل مکتب چهارگانه که در این مجال و قسمت پایانی مقاله به چگونگی شکل‌گیری آن می‌پردازیم، ماجرا از این قرار بود که شعبه طب مدرسه دارالفنون در سالهای قبیل از مشروطیت با تبعیت از اوضاع عمومی کشور قوس نزولی و انحطاط خود را طی می‌کرد. از طرف دولت چندان توجهی به مدرسه طب نمی‌شد و مدرسه هم اصولاً داوطلب زیادی نداشت زیرا اشتغال به حرفه طبابت راه نزدیکی نداشت (۴۳). دکتر حکیم اعظم که خود از شاگردان آن دوران است می‌نویسد: «کسانی تنها به چندی نسخه‌نویسی نزد استادان و حاضر شدن در محکمه آنان خود را پزشک دانسته بلکه دکتر نامیده و بدون هیچ گواهینامه رسمی پزشکی می‌کردند. بنده چون آموزش در دارالفنون و محکمه‌ها را کافی ندیدم رهسپار فرنگ شدم (۱۸۹۹) و پس از ده سال آموزش به ایران بازگشتم».

از این اوان در مقابل شعبه طب دارالفنون مطب چهار نفر از اطباء میرزتهران در حکم مکتبی برای آموزش طبابت بود و همانطور که بیان شد چون در این چهار مکتب راه نیل به هدف که اشتغال به حرفه طبابت باشد کوتاهتر بود و حساب و کتاب و پروانه و جواز هم در کار نبود داوطلبان طبابت این راه را انتخاب می‌کردند و رنج تحصیل در مدرسه را بر خود هموار نمی‌ساختند و قدر مسلم این مکاتب تصدیق‌های چایی هم گاهی به افراد می‌دادند. مکاتب خیار ت بودند از مطب میرزا زین العابدین مؤتمن الاطبا - میرزا ابوالحسن خان بهرامی (۴۴) - میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا - میرزا سید حسن نظام الحکما (۴۵).

شیخ محمد طبیب تهرانی یکی از شاخ، فارغ التحصیلان و از جمله شاگردان مکتب اربعه (چهارگانه) به شمار می‌رود. که تصدیق‌نامه طبابت او بوسیله مؤتمن الاطبا و نظام الحکما (میرزا سید حسن خان) مهر و امضا شده است. از متن تصدیق‌نامه نیز برمی‌آید که شیخ محمد طبیب تهرانی در مطب آنان تلمذ دانسته است و سرانجام با اجماع این طبیبان نامی در سال ۱۳۱۶ ق. برای شغل طبابت شایسته و برگزیده شده است. حاشیه تصدیق طبابت او را نیز طبیبان نامبرداری چون شیخ الحکما - سلطان الحکما و سلطان الفلاسه موشح به دستخط و مهر طبی خود نموده‌اند. در متن تصدیق‌نامه طبابت شیخ محمد طبیب تهرانی می‌خوانیم:

انه هو الحکیم

جناب مستطاب فضایل و کمالات اکتساب صداقت و نجات انتساب آقای شیخ محمد تهرانی مدتها در تحصیل علوم عربیه و ادبیه و تکمیل طب قدیم حد بلخ و سعی جزیل را به غایت قصوی رسانیده

نامعلوم و دستخطی از مرحوم زین العابدین خان مؤتمن الاطبا درباره او منتشر است که برای تأیید و تکمیل مطالب مطروحه فوق بیان آن خالی از فایده نیست.

رباعی:

«استاد من آن شهره ایام صبور کو با غم دهر بود مادام صبور
گردید شهید در ره دین که نبود می دید اگر شکست اسلام صبور»

میرزا احمد شهید سرهنگ فوج بهادران خاصه که مسلمان بود که در کتاب مرحوم مفکور نایب السلطنه عباس میرزا در دعوی ننگران (۳۶) با روسیه به درجه شهادت فایز شده و به خط خودشان این دیوان را نوشته‌اند. تحریراً فی عشر اخیر صفر المظفر ۱۳۲۲ ق. این بنده درگاه میرزا زین العابدین خان مؤتمن الاطبا حکیمباشی نوشته شده است. - اللهم اغفرنا محمد و آله - (۳۷).

پدر میرزا احمد صبور، میرزا محمد علی خان از مستوفیان و مقریان دربار لطفعلی خان زند بوده که در زمان محاصره کرمان که به فرمان آغا محمد خان قاجار صورت پذیرفت و موجب استیصال حکومت زند شد، جان خود را بر سر وفاداری به لطفعلی خان از کف داد. گفتنی است که میرزا محمد علی خان مستوفی برادر بزرگتر فتحعلی خان صبا ملک الشعراء کاشانی شاعر معروف و صاحب سبک عصر قاجار و دوره بازگشت ادبی است (۳۸).

علاوه بر آن مؤتمن الاطبا با محمودخان ملک الشعراء (۳۹) نواده فتحعلی خان صبا دوستی و قرابتی خاص داشته که مجموع این خصوصیات و حالات و همبستگی‌های نسبی از او شخصیتی دوست‌داشتنی و قابل احترام به جای گذارده است. زین العابدین خان مؤتمن الاطبا در حاشیه دیوان خطی میرزا احمد صبور ادامه می‌دهد که دیوان صبور علیه الرحمه که میرزا احمد بن میرزا محمد علی خان گفته برادر بزرگ مرحوم مفکور فتحعلی خان ملک الشعراءست و خود مرحوم صبور برادرزاده ملک الشعراءست و جد پدری این بنده درگاه میرزا زین العابدین خان حکیمباشی مؤتمن الاطبا می‌باشد (۴۰).

همان گونه که اشاره شد گذشته از خدمات درباری و دولتی مؤتمن الاطبا هر روزه در محکمه شخصی خود به انتظار بیماران محتاج می‌نشست و در کمال دلسوزی به معالجه آنان می‌پرداخت و گاهی نیز بیمارانی را که درمانهای طولانی و طولیل‌المدت نیاز داشتند در منزل شخصی خود برای زمان نامعلومی نگه‌داری می‌کرد (۴۱). سرانجام مؤتمن الاطبا پس از روزگاری زحمت و تلاش برای درمان و شفای مرضی در سال ۱۳۲۶ ق. از دنیا رفت و در سن ۸۰ سالگی جان به جان آفرین تسلیم نمود. اما قدر مسلم ذکر و یاد او همواره بخاطر عمل‌های شگفت‌انگیز سنگ‌منازه‌هایش که در بین اعیان جراحی بیشتر سبب شهرت او شده بود. سالیان سال میان مردم تهران و شاگردان مکتبش زنده و به یادگار مانده بود (۴۲).

ترجمه خط حکیمباشی طولوزان فرانسوی

بنده درگاه معلم مدرسه نظامیه طبی پاریس و حکیمباشی شاهنشاه ایران شهادت می‌دهم که میرزازین العابدین کاشانی علوم متعلقه به طب و جراحی را باالتمام و الکمال به دقت زیاد به اتمام رسانید بواسطه علم و حذاقت که اوست متعلم اول مدرسه مبارکه دارالفنون است و بر بنده معلوم است که جمیع شروطی که باید جراح و طبیب حاذق عالم داشته باشد در او مجتمع است. در دارالمخلافه تهران در شانزدهم آوریل ماه فرانسوی تحریر شد. سنه ۱۸۶۱ عیسوی

[مهر: طولوزان]

ترجمه خط دکتر بیم‌زن اشتاین حکیمباشی دولت عثمانیه

بنده درگاه دکتر طبی و استاد جراحی معلم خانه دیانا و طبیب صحیه دولت عثمانیه مامور به دولت ایران شهادت می‌دهم که چندین دفعه در چند مجلس که با میرزازین العابدین کاشانی مکالمه طبی و جراحی و سایر علوم متعلقه به آنها نمودم بر من معلوم گشت و به درجه یقین رسید که علم و صداقت او در درجه تمام و کمال است و در عمل طبابت و جراحی حاذق و ماهر است و تواند که علم خود را در معرض عمل درآورد و به جهت این کمالات که درین طبیب جوان است بر ما لازم است که فهم و علم او را شهادت دهیم تا بوشیده نماند. تحریراً فی بیستم آوریل ماه فرانسه ۱۸۶۱ عیسوی

[مهر: او: مهر: طبیب صحیه دولت علیه نزد دولت ایرانیه.]

ترجمه خط دکتر شلیمر فلمنگی نوکر دولت ایرانیه

بنده درگاه به رضائیت تمام شهادت می‌دهم که میرزازین العابدین کاشانی مدت چهار سال است که بی‌اهمال درس تشریح و علم اعمال اندان و شیمی حیوانی و امراض عمومی و معتنه و علم برادویه و ساختن آنها را که در مدرسه مبارکه دارالفنون تدریس نمود خواننده و مدرک و حافظه و علم و عمل او بیش از آن است که مقرب الخاقان حکیمباشی طولوزان اعتراف نموده است و به جهت زحمتی که برده است بر ما لازم است که از خدا بخواهیم چون از برای او و انشاءالله زحمت او بی‌اجر و نمر نخواهد بود و علاوه بر آنکه طبیی است عاظم و حذاق آن شاء... در مدرسه مبارکه ارو جود او تمرانی چند مترتب خواهد شد. تحریراً بیست و سیم آوریل ماه فرانسه سنه ۱۸۶۱ عیسوی [مهر: (۴۸)]

در نزد بنده درگاه ترجمه خط حکیمباشی طولوزان و ترجمه خط دکتر بیم‌زن اشتاین و ترجمه خط خودم شده است بدون خلاف [مهر: شلیمر]

و چند سال است در محضر داهی دولت اید مدت قاهره و جناب جلالت مات اجل اکرم آقامیرزازین العابدین خان مؤتمن الاطبا دام اقبانه مشغول تحصیل و تکمیل علوم متعلقه به طب فرنگی از قبیل: فیزیکی و شیمی و فیزیولوژی و جراحی و کحالی و عمل ید و غیره بوده اند و پس از تکمیل تحصیل و امتحانات عدیده در مواقع مختلفه بارها مراتب علمی و عملی مشارالیه را تجربه کرده ام. در تمام شعب طب قدیم و جدید و اعمال آن فارغ التحصیل، بدین جهت الیوم الحق طبیی است بصیر و جراحی است خبیر که بطور شایستگی از عهده خدمات مرجوعه بتی نوع در موارد لازمه برمی آید. لامعضا! شهر شوال المکرم ۱۳۱۶، مطالب مسطوره مطابق واقع است [مهر: مؤتمن الاطبا] و [مهر: نظام الحکما (۴۶)]

در پایان مقاله بد ندیدم که چند سندی از اسناد مهم مربوط به زین العابدین خان مؤتمن الاطبا را بازخوانی و تصویر آنان را عیناً درج نمایم. زیرا به نظر نگارنده اسناد مزبور و بخصوص تصدیقنامه طبابت او از جمیع جهات از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و در تاریخ طب و تاریخ یکصد و پنجاه ساله اخیر ایران جای همچون سندی خالی است. و ظاهر و باطن سند گویای ناگفته های بسیاری است که ارائه آن برای اهل علم و تحقیق حکایت و نتیجه ای در خور رایه جنای خواهد گذارد:

تصدیقنامه طبابت مؤتمن الاطبا

عالیجناب میرزازین العابدین بعد از آنکه مدتی نزد حکیم کلرک و حکیم بولاک و سایر معتمنین تحصیل فنون طب و جراحی کرده بود و در مریضخانه دولتی بر حسب اذن اسازان معالجات کرده و دیده و زحمات کشیده مدت دو سال نیز نزد این بنده در تکمیل طب و جراحی و سایر علوم متعلقه بر آنها اهتمام کرده است و اعمال یدی خوب و بی حبط از او ملاحظه شده و درین روزها که این بنده در مجلس امتحان مدرسه مبارکه دارالفنون حسب الحکم اعلیحضرت شاهنشاه عالم پناه روحی و روح العالمین فداء خدمت نواب اشرف والا شاهزاده آزاده وزیرالعلوم اقتصادالسلفته (۴۷) و جمعی از اکابر علم حاضر شدم و شاگردان طب و جراحی و تشریح را در معرض امتحان درآوردیم و تعیین مرتبه هر یک می‌شد. آنچه بعد از دقت بسیار بر این بنده محقق و معلوم شد میرزازین العابدین در مرتبه اول شاگردان طب و جراحی و تشریح است و هیچ یک از شاگردان در مرتبه او نیستند این نوشته را بدون خلاف و ملاحظات غرض آمیزه او دادم تا مطمئن تمام بود او استعلاج شود و امنای دولت غنیه ادای حق زحمت او را لازم شمارند و شغل و عمل او را رواج دهند. هذا ما عتدی و الله اعلم بالصواب و عهده علم الکتاب تحریراً فی شهر شوال المکرم سنه ۱۲۷۷

[مهر: طولوزان]



اسنادی که در این قسمت به آنان اشاره می شود مربوطند به املاک و حق و حقوق ورثه مرحوم مؤتمن الاطبا که شامل فرزندان و همسران وی می شده است. این وارثین عبارتند از: حسینقلی خان - داوودخان و طویبی خانم که عرسه نامبردگان مادرشان میر خانم بوده است. و میرزا محمدخان مسیح اندونه (طیب) و طاهره خانم از همسر دیگر مؤتمن الاطبا هستند که به او شاهزاده خانم می گفتند:

سهم ارث حسینقلی خان و داوودخان فرزندان زین العابدین مؤتمن الاطبا

مثنی سند عیناً

سهمه آقای حسینقلی خان و آقای داوودخان از تقسیم خانه ها و باغ و دکا کین و حمام و کالسکه خانه مرحوم مغفور آقای مؤتمن الاطبا رحمه الله ا

آقای حسینقلی خان (...)

حیاط بزرگ به حدود اربعه ذیل:

حدی به باغ منگی منارالبها به خانه خیال میر حسین - به دکان تونوفروشی - به حیاط کربلایی حسن
نصف باغ به انضمام تفاوت قیمت که علاوه شده به حدود ذیل:
حدی به خانه بزرگ - به باغ سهمیه آقای میرزا احمدخان - به حیاط و طویله آقاموسی - به طویله حاجی میرزا محمود خانه آقا میرزا بابا

دکان صباغی به حدود ذیل:

حدی به شارع عام - به دکان سمساری - به دکان تونوفروشی - به حیاط کربلایی حسن

حمام به حدود ذیل:

حدی به خانه بزرگ - به دالان خانه بزرگ - به خانه ملک آرا - به مطبخ خانه بزرگ و خانه آقاموسی طلب دو برادر مزبور فوق (...)
سجلات عیناً

این تقسیم صحیح است و موافق قانون شرع انور مابملک مرحوم مؤتمن الاطبا تقسیم شده و املاک فوق سهم جنابان حسینقلی خان و میرزا داوودخان شد. فی شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۷ (نظام الحکما)

هو

ورقه در کمال صحت و اعتبار است. حرره الاحقر الحاجی کمال الدین الموسی ۱۳۰۱ (کمال الدین الموسوی)

بسم الله تعالی صح ما فی انورقه کما سطره (التراجی عبدالسی) سهم مرقوم بعد از وقت نام در حق این دو خان مکرم به قصد صلح لازم باسقاط خیارات تعیین شده فی غره جمادی الثانیه ، بالاخانه روی دکان داخل است در این سهم (محمدتقی)

زین العابدین خان مؤتمن الاطبا، همراه با فرزندان
سمت راست: داوودخان مؤتمن - حسینقلی خان - محمودخان
مسیح اندونه مؤتمن و خودکی الفلیج از بیماران مؤتمن الاطبا

بسم الله تعالی

این ورقه در کمال صحت و اعتبار است حرره الاحقر محمدتقی المدرس النهاوندی ۱۳۳۱ (الوائق بالله الغنی عبده محمدتقی)
این تقسیم صحیح است. طویبی (۴۹)

تعیین مهریه حواخانم همسر مؤتمن الاطبا

از تمام وراثت مرحوم مبرور حکیمباشی طاب نراه و سایر اقوام و غیره استنهاد و استعلام می رود. البته اکثرآ از آقایان اقوام مطلع و مستحضرنند که مرحوم مبرور میرزا محمد والد مرحوم حکیمباشی سه دانگ از حیاط بزرگ ملکی خود را مهریه و صدق مرحومه حواخانم عروس خود که والده آقای حسینقلی خان و آقای داوود خان بود قرار

داده است. نظر به اینکه مهرنامه‌یچه فعلاً موجود نیست در مقام تصدیق برآمده استعمال می‌نماید هر یک از آقایان اقوام و طایفه اناثاً ذکوراً بر مراتب مسطور در اطلاع و استحضار دارند مستدعی است شهادت خود را کما هو حقه بدون هیچ ملاحظه در این درقه مرقوم و به خانم شریف مختوم فرمایند که عبدالحاجه حجه باشد. (امضا ۵۰)

مال المصالحه منعقدہ مابین ورثه مؤتمن الاطبا (داوودخان و همسرش)

و بعد منظور از تحریر و تسلیم این کلمات شرعیہ اندلالات آنکه حاضر گردید در محضر شرع مطاع لازم الاتباع تهران جناب جلالت ماب اجل آقامیرزا داوودخان مؤتمن دام اقباله خلف مرحوم مرور خلد آشیان میرزا زین العابدین خان مؤتمن الاطبا طاب نراه در حالت اجتماع کافه شرایط معتبره در صحت انشاءت شرعیہ بالطلوع و الرغبة و الاختیار من دون الاکراه و الاجبار.

و بعد الحضور مصالحه صحیحیه شرعیہ قطعیه محاباتی نمود با زوجہ دائمه خود مخدره محترمه بتون خانم دامت شوکنا صبه مرضیه مرحوم مغفور فتح الله خان کاشانی طاب نراه بر تسلیم همگی و تمامی سه دانگ از کل شش دانگ حیاط مسکونی خود و همگی و تمامی سه دانگ از کل شش دانگ حیاط باغ پشت حیاط مسکونی ملکی متصرفی خود را واقع در بامتار در کوجه حمام کاشانی ها محدود به حدود اربعه ذیل السطر با کافه ملحقات حدود حیاط مسکونی، شرق به خانه ورثه حاج آقاموسی تاجر مغرب به حیاط آقامیر حسین خان شمال به باغ که مورد مصالحه است جنوب به حمام میرزا فرج الله خان ده دشتی.

حدود حیاط باغ، مشرق به حیاط زینتده خام، مغرب به باغ آقای دکتر مسیح الدوله اخوی معظم له، شمال به حیاط ورثه میرزا بابای کاشانی و طویله ناصر انولیه، جنوب به حیاط مصالح که مورد مصالحه است شرعیه و عامه متضمنات عرفیه آن من الممر و المدخل و مشرب و جذران و حبطنان و ابواب و اخشاب فوقانی و تحتانی و درب و پنجره و عرصه و اعمان و جمیع مضافات و منسوبت آن ذکرا، ام تم بذكر و سمي ام بسم من دون الاستاء به همان لسمی که مانگ و مصرف بود در عوض و من المصالحه مبلغ پنج شاهی یوں نیکی و مقدار یک سیر نبات معمول بهران.

المعمر مروهین فی مجلس العقد و پس از جریان صیغه اسقاط کافه خیارات به عمل آمد و در ضمن عقد خارج لازم شرعی منضم گردید مصالح معزی الیه بر اینکه چنانچه از تاریخ ذیل لغابت پنجاه سال دیگر کشف فسادی در مصالحه مرقومه شود که مصالحه عنه مستحقاً للعبیر برآید.

کلام بعضاً عیناً او منفعه علی قدر ما طهر فسادہ از عهده خسارات و غرامات و ضرورات وارده بر متصالحه مشارالیها برآید و

جميع لوازمات و مقتضیات عقد مصالحه از طرفین به عمل آید. فعليهذا تمامی عرصه و اعیان با توابع سه دانگ حیاط و سه دانگ باغ محدودہ فوق گردید منگ، طلق و حق صدق مخدره متصالحه مزبورہ و برادر است انجای تصرفات مانگانه در آن که تصرف الملاك هي املاكهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم و صیغه مصالحه شرعیہ قطعیه محاباتیہ فارسیہ و عربیہ کما فزت فی الشریعه المظهره ایجاباً و قولاً جاری و واقع گردید و آن وقوع و تحریر ذلک فی ششم شهر رمضان المبارک ۱۳۴۸ مطابق ۱۷ بهمن ماه ۱۳۰۸ شمسی

(مهر و امضا داوود)

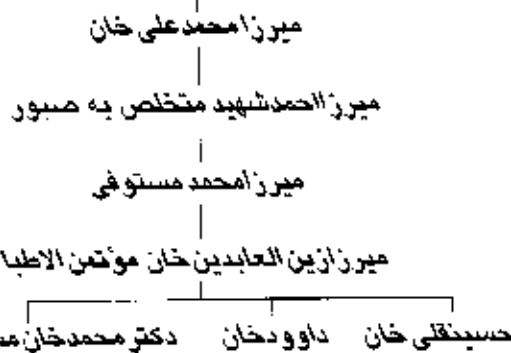
توضیح آنکه در صورتی که فسادی در مورد مصالحه مسطورہ ظاهر شود کلام بعضاً عیناً منفعه علاوه بر رد قسمت مظاهر فسادہ از عهده غرامات وارده بر متصالحه برآید. بتاریخ المتن ۱۳۴۸ (مهر و امضا)

احوائی: ۱- بسم الله خير الاسماء قد وقع تمام مارقم و ماسطر فی الیورقه من الید والی الختم لادی تحریراً فی ۶ شهر رمضان المبارک ۱۳۴۸ (مهر: حسین بن حسین) ۲- بسم الله الرحمن الرحيم، قد وقع الصلح المعروف حیما فصل فی المتن وانها من لادی فی مصالحه ۶ شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۴۸ الا حقا انو القاسم الحسینی انکاشانی، سنه ۱۳۴۸

المهر: ابوالقاسم بن مصطفی الحسینی، ۳- معامله مرقوم صحته اقل الحاج محمد هادی [مهر] ۴- معامله در متن صحیح است: سید مهدی (۵۱)



نسب نامه خاندان مؤتمن



و نسل ذکور مرحوم مؤتمن الاطبا به حکم تقدیر به همین جا ختم می‌شود. (به نقل از جناب آقای زین العابدین مؤتمن نوه زین العابدین خان مؤتمن الاطبا)

یادداشت‌ها:

۱. این کوچه در محله پانصار امروزه با شکل و شمبلی متفاوت و به دور از خاطرات تاریخی آن به نام کوچه نوری زاده نامگذاری شده است. جناب آقای زین العابدین مؤمن نو، مؤمن الاطبا معتقدند که قبل از اینکه این کوچه به نام کاشانی هانامید، شونده به کوچه مؤمن الاطبا معروف بوده است. ۲. مطالب مطروحه برگرفته از دستنوشته‌ها و مطالبی است که معلم و استاد ارجمند جناب آقای زین العابدین مؤمن فرزند مرحوم داوودخان مؤمن و سوه مرزا زین العابدین مؤمن الاطبا در نشستی صمیمی که در تاریخ ۱۹/۵/۱۳۷۹ در منزل ایشان صورت پذیرفت، در اختیار نگارنده قرار دادند بامیاس فروان از ایشان.

۳. زین العابدین خان طبیب، علاوه بر افرادی که برشردیم، معلمین دیگری نیز داشته ولی بیش از همه دکتر یولاک و حکیم طولوزان نسبت به سایرین سرگردن او حق معلمی دارند و اما:

الف - ناظم الاطبا علی اکبر خان نفیسی، فرزند میرزا حسن طبیب کرمانی است که در سال ۱۲۴۳ ق. در کرمان به دنیا آمد. علوم مقدماتی متداول زمان خود را در کرمان و در نوره سالگی به تهران آمد و در مدرسه دارالفنون به تحصیل علوم جدید و طب پرداخت. وی در سال ۱۲۸۹ از طب دارالفنون فارغ التحصیل شد و سال بعد به ریاست مریضخانه دولتی پذیرفته شد. وی حکیمباشی دربار ناصر، مظفری و رئیس دارالشفای آستان مقدس حضرت رها میز بوده است. از او آثار ارزشمندی به جای مانده که از همه مهمتر فرهنگ نفیسی (ناظم الاطبا) می باشد. مورخین درگذشت او را در خرداد سال ۱۳۰۳ ق. در ۷۹ سالگی ذکر کرده اند.

ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱. ص ۲۱۲. و نیز بنگرید: به مقدمه فرهنگ نفیسی، تهران، خیام، به قلم محمدعلی فروغی.

ب - دکتر ارتست کلوکه (Cloquet) طبیب نامی فرانسوی در بهار سال ۱۲۶۶ هجری به ایران آمد و پزشک دربار محمدشاه قاجار شد و پس از مرگ وی و جلوس ناصرالدین شاه کلوکه همچنان به عنوان طبیب دربار باقی ماند. کلوکه به دستور ناصرالدین شاه برای آنکه تحولی در وضع طبابت و تحصیل طب بوجود آورد، در تهران تدریس طب می کرد و جلسات درس او جدا از دارالفنون بود. وی پس از مدتی زبان فارسی را خوب آموخت و بدین زبان آسان و روان صحبت می کرد، دکتر کلوکه در ماه شوال ۱۲۷۱ ق. با دختر جوانی از ارمنه تهران ازواج کرد و پس از گذشت چند روز از این وصلت، سم مهلکی را به جای شراب خورد و بلافاصله بعد از چند ساعت درگذشت و در کلیسای قدیمی طاقان دوس تهران دفن گردید. بنگرید: سیریل الگور، تاریخ پزشکی ایران و سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه باهر فرغانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱. ص ۵۵-۵۶. همچنین بنگرید: ناصر پویان، کتاب گیلان، فصل بهداشت و درمان، تهران، ۱۳۷۳. ص ۵۲۲.

ج - حکیم یولاک، دکتر باکوب اودارد یولاک (Jacoub Edouard Polak) از مردم آفریقای متولد وین و از استادان و دانشمندان برجسته دارالفنون بود. در سال ۱۲۸۵ ق. بیمارستانی به شیوه اروپا در تهران تأسیس شد و سرپرستی آن بر عهده وی گذاشته شد. پس از او دکتر شلیمر هلندی رئیس بیمارستان گردید. دکتر یولاک در مدرسه دارالفنون جراحی تدریس می کرد و نخستین پزشکی است که در ایران به تدریس علم تشریح پرداخته است. از وی آثار بسیاری به جای مانده که از آن جمله می توان به کتاب تشریح بدن انسان، اشاره نمود. وی پس از ده سال اقامت در ایران به کشورش بازگشت و در آن جا کتاب (میران سرزمین و مردم ایران) را تألیف کرد... بنگرید: به محمد مهدی موحّد، زندگینامه مشاهیر رجال پزشکی معاصر ایران (تهران، موسسه نشر علوم و فنون، ۱۳۷۱. ص ۱۳۴. همچنین بنگرید: به حسن ناچ بخش، تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵. ج دوم، ص ۵۷۸ و ۵۷۹. و نیز بنگرید: به سفرنامه یولاک، ترجمه کیکاووس جهانمادی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.

د - دکتر شلیمر: Dr. yoh. I. Schlimmer تحصیل کرده لندن (London) هلند پس از دکتر یولاک برای معلمی دارالفنون انتخاب گردید. وی سال ورود خود را

به ایران ۱۸۵۱ (سال بنای دارالفنون) ذکر نموده می نویسد: دو سال در حلب بوده و از راه بغداد به ایران آمده است. در مورد او سخن بسیار است. همین که شلیمر طبری بسیار دانشمند و دارای مفاصلات عمیق در طب قدیم ایران بخصوص کتب فارسی بوده است. از او آثار فراوانی به جای مانده که مهمترین اثر طبی وی فرهنگ پزشکی معروفتر است. در برخی از منابع تاریخی، تاریخ مرگ دکتر شلیمر را سال ۱۲۵۹ ق. و محل دفن او را گورستان بوستانهای آکریباد نوشته اند. محمد تقی سمردی پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان... تهران، امرمادی، ۱۳۷۸. ج دوم، ص ۱۳۷-۱۴۰.

ه - حکیم طولوزان: پس از فوت دکتر کلوکه (بارنلمی) (Banhelemy) و بعد از او دکتر طولوزان (Joseph Desir e Thotozen) از فرانسه به تهران آمد و رئیس بوستان ناصرالدین شاه قاجار شد. وی در سال (۱۲۴۳ ه. ش) وارد ایران شد و از آن تاریخ به سمت او اصلاحات قابل توجهی در درمان و بهداشت عمومی به وجود آمد. در نخستین سفر ناصرالدین شاه به اروپا دکتر طولوزان از ملاریمین و همراهان شاه بود. طولوزان شخصی فعال و حساسی ناپذیر بود که در نقاط مرزی مهم ایران قرطبیه ایجاد کرد و واکسناسیون عمومی را که دکتر کلوکه آغاز کرده بود ادامه داد. از وی دو کتاب معروف به نام بدایع الحکمه ناصری یا بدایع الحکمه مسیح به جای مانده است. دکتر طولوزان در خیابان لانه زار به طور ساده زندگی می کرد. و نازمانی که به کشورش بازگشت در همین خیابان حلوت و دنج سکونت داشت. برای اطلاع بیشتر در مورد طولوزان بنگرید: به: روزنامه شرف، نمره سی و پنجم، شهرمحرّم الحرام ۱۳۰۳. ص ۱۶۱ و ۱۶۲. و نیز: به پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان، همان، ص ۱۲۲.

۴. بنگرید: به: استنهاد و تصدیقی که صاحب منصبان و طبیبان معروف و معلمین مدرسه طب دارالفنون دربار، مؤمن الاطبا مهر و امضا کرده اند. اصل این سند و بازخوانی آن در پایان مقاله عیناً مندرج شده است. سند مزبور که بسیار ارزشمند نیز هست. از جمله اسناد خانوادگی جناب آقای مؤمن انوه مؤمنی الاطباست که با رغبت و وصف ناپذیری آن را در اختیار این جانب قرار دادند. همچنین بنگرید: به راهنمای دانشکده پزشکی، داروسازی، بیمارستانها و آموزشگاههای وابسته، تهران ۱۳۳۲. ص ۵۴ و ۵۵.

۵. شیمی حیوانی: احتمالاً منظور همان شیمی آلی است. و میحت ترکیباتی است که بدن گیاهان و جانوران را تشکیل داده اند. و یا منظور اسفاده از اعضا و جوارح حیوانات است در درمان بیمارها و بهر گیری این اعضا در ترکیبات دارویی. بنگرید: به: فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر، ج دوم، ص ۲۹۱۵.

۶. بنگرید: به: سند و استنهاد طبابت مؤمن الاطبا، گفته‌های حکیم طولوزان از متن اصلی سند و مطلب دکتر شلیمر از حاشیه سند مزبور استخراچ شده است.

۷. روزنامه دولت علیه ایران، نوزدهم ربیع الثانی، مطابق سال تخاوی شیل ۱۲۷۸ ق. نمره ۵۰۲. ص ۲۵۳.

۸. امامقلی میرزا عمادالدوله پسر ششم محمدعلی میرزا دولتشاه پسر اکبر فتحعلی شاه در حدود سال ۱۲۳۰ ق. متولد شده و در نیمه رجب ۱۲۹۱ ق. بدروز زندگی گفته است. در سال ۱۲۶۸ ق. به حکومت کرمانشاه منصوب شد و در سال ۱۲۹۶ ق. ملقب به عمادالدوله شد. در سال ۱۲۷۵ ق. که خانلر میرزا احتشام الدوله هموزاده او از حکومت لرستان معزول و به حکومت اصفهان منصوب شد. حکومت لرستان ضمیمه حکومت کرمانشاه شده به عهده عمادالدوله واگذار گردید. در سال ۱۲۹۰ ق. که عده‌ای از وزرا معزول گردیدند، عمادالدوله برای اولین بار داخل هیأت وزرا گردید (به جای محمد تقی خان قاجار دولو اصف الدوله به وزارت دادگستری برگزیده شد) و تا اوایل سال ۱۲۹۱ ق. در این سمت باقی بود. در این سال به جای طهماسب میرزا موبدالدوله برادر مهتر خود به سمت حکومت کرمانشاه و کردستان منصوب و روانه گردید. عمادالدوله پسر خود بدیع الملک میرزا که ملقب به حشمت السلطنه شده بود از جانب خود به حکومت کردستان فرستاد پس از درگذشت عمادالدوله (۱۲۹۲ ق.) حشمت السلطنه به جای پدر به حکومت کردستان و کرمانشاه منصوب گردید. عمادالدوله مجموعاً بیست و چهار سال تمام در حکومت کرمانشاه باقی بود. مسجد عمادالدوله و بازار زر گرها و

عمادیه ساختمانی که بر روی چشمه اصلی طاق بستان بنا گردیده بود و اکنون اثری از آن بر جای نمانده از آثار عمادالدوله است. وی خطی خوش و شیوای مخصوص در کتات داشت. هرزیبگویی، تاریخ کرمانشاه در عصر قاجار به انضمام اسناد و مدارک تاریخی ... کرمانشاه، طاق بستان، ۱۳۷۴، ص ۱۹۸.

۹. برگرفته از دستنوشته ها و خاطرات خانوادگی جناب آقای زین العابدین مؤمن نوه میرز زین العابدین حکیمیائی.

۱۰. هارم الدوله: فرزند امامعلی میرزا عمادالدوله حکمران کرمانشاه.
۱۱. آرشبو سازمان اسناد ملی ایران، اسناد اهدایی مربوط به زین العابدین مؤمن الاطیفا، برگرفته از سندی که مهر عمادالدوله در کنار سطر اول آن نقش بسته است.

۱۲. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مرآة الیخدان ... به کوشش عبدالحمید نوبی، هاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ج دوم، سوم، ص ۱۱۱۸.
۱۳. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، المغان و الآلین، به کوشش سراج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۶۴، ص ۲۵۷.

۱۴. ایس الدوله: از زمان مورد توجه همسر سوگلی ناصرالدین شاه بوده است. وی چون زن عاقله، مدبره و زیرکی بود در نزد ناصرالدین شاه خیلی ترفی کرد و طرف توجه واقع و خیلی مشخصه شد و در زمان حیات خود دارای دم و دستگاہ و تعویب ریاضی شد و سرآمد تمام زنان شاه گردید تا آنجا که به عنوان شهبانوی مفتح شد. در بعضی اوقات مشاور شاه بود و او را راهنمایی و نصیحت می کرد. وی در بسیاری از مسائل مهم دربار که در سیاست داخلی و خارجی ایران نقش نسبتاً مهمی را ایفا کرده دخالت داشته است. از جمله: ایس الدوله از سوی ناصرالدین شاه دستخط و حکمی داشته که از حاکم های فونگی دربار بذبوی و در این حیثاتها جالبه هنگامی هزینه می کرده است. در تاریخ ۵ جمادی الاول ۱۲۱۱ق. اعتمادالسلطنه از سوی ایس الدوله مامور می شود نامه سفیر روس، پیام تسلیتی در باب مرگ امپراطور روس و الکساندر سوم ابلاغ کند. همچنین می گوید: ایس الدوله در مرکزهای میرزا حسین خان سپهسالار از عاملان اصلی بوده است. نقل است که در حرمسرای ناصرالدین شاه دو زن قدرتمند یعنی ایس الدوله و امینه القدس، بر بقیه زنان حرمسرای بامت داشتند و محور تمام حوادث آنروزان بودند. هر کدام از این دو زن، دارو دسته ای تشکیل داد که همه، هر کدام از آنها بی اعتبار ساختن دیگری و تثبیت موقعیت خود در نزد شاه بود ... ایس الدوله از صیغه های ناصرالدین شاه بود و چندبار خواست او زاده عداد زنها، عقدی خود درآورد که این بانو از وی نند و می گفت آن ساعتی که من در شمار زنان صیغه شاه در آمدم ساعت سعد و نیکی بود از این جهت رضایت نداده که به عقد دائمی شاه بیاید. فرد گوزن در چند نام کتاب ایران و قصبه ایران تألیف، خود درباره ایس الدوله چنین می گوید: ایس الدوله دختریک اسپانیا شمیرونی است که بر حسب اتفاق یک روز به موبک همایونی برخورد و شاه و انداخته خود کرده و اکنون فرمانروای حرمسرا می باشد. همین ایس الدوله بود که از میان تمام زنان شاه برای مسافرت فرنگستان انتخاب شد و تا مسکو همراه ارت سبب از مسکو به ایران باز آمده. بنگرید به: بشری دلریش، زن در دوره قاجار، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۸ و ۲۴۳. و نیز بنگرید به: فریروزحجیائی، اصل، زنان نامدار تاریخ ایران، تهران، زوار، ۱۳۷۵، ص ۶۱ و ۶۶.

۱۵. برگرفته از دستنوشته ها و خاطرات خانوادگی جناب آقای زین العابدین مؤمن نوه مؤمن الاطیفا که این مطلب را از پدرشان مرحوم دادو خان مؤمن شنیده اند.

۱۶. طباع سلیمه: سرشت های پاک و سالم شده.

۱۷. شارج صدور: گستراننده پهنای سینه های مردم.

۱۸. میع: جویشیدن آب از چشمه، ظاهر شدن امری از کسی (در ره نیش بود بسته چه غم کو همی جوشد ز خانه دمدم) به نقل از: لغتنامه دهخدا، دوره جدید، ۱۳۷۳.

۱۹. بین الامالی: میان همسرخان، همسران و همفکران و هم اندیشان بودن.

۱۰. اقربان: همسران و نزدیکان و همسایگان. (فرهنگ نقیسی، ناظم الاطیفا، ج سوم، ص ۱۸۸۷)

۱۱. ساطع النور: هویداکننده و برافراشتهنده نور و باکی.

۱۲. سعادت دلیل: شان اقبال و نیکبختی.

۱۳. مینامی: کلمه اصالت عربی دارد به معنی: فخرکننده و سرافراز.

۱۴. آرشبو سازه: ان اسناد ملی ایران، اسناد اهدایی مربوط به مؤمن الاطیفا، منظور تفریح و فرمان دربار ناصری که زین العابدین خان طیب را ملقب به مؤمن الاطیفا دانسته است.

۱۵. برگرفته از دستنوشته ها و خاطرات خانوادگی جناب آقای زین العابدین مؤمن.

۱۶. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران ... همان، ج اول، ص ۱۱۱.

۱۷. بنگرید به: روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان (۱۳۰۶ ق. به کوشش محمداسماعیل رضوانی و فاطمه قاصید تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۳، کتاب سوم، ص ۱۶ و ۳۳۳، ۵۲۹ و ...)

۱۸. گزارشهای نظمه از محلات طهران ... به کوشش انسیه شیخ رضایی - شهلا نوری، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۷، ج دوم، ص ۴۵۲.

۱۹. برگرفته از دستنوشته ها و خاطرات خانوادگی جناب آقای زین العابدین مؤمن.

۲۰. فرهاد میرزا: معتقدالدوله، پسر نهمین عباس میرزای نایب السلطنه، در حمدای الاول ۱۲۳۴ق. متولد شد و در ۱۳۰۵ق. در تهران درگذشت.

منگ: التشرای بهار در قصیده ای که در رثای او سروده در بیت آخر می گوید:

یکی ده به خلد جای جو از هجرت رسول - بگذشت سال سبصد و پنج از پس هرازه فرهاد میرزا در جوانی همراه پدر به آذربایجان رفت و در تبریز به تحصیل علوم پرداخت.

در هفده سالگی (۱۲۵۱ق.) از طرف محمدشاه به نسبت امور خوزستان و آروستان نامزد شد و در سال ۱۲۵۴ق. که شاه عازم هرات بود او را در مرگه به نسبت سلطنت گماشت. در هفت سال نایب الایاله فارس شد و در

سال ۱۲۸۲ق. نیز به مدت شش سال حاکم کردستان و همدان بود. قبل از آن هم حکومت لرستان را در اختیار داشت. در سال ۱۲۹۲ق. با کسب اجازه از ناصرالدین شاه عازم مکه معظمه شد و نتیجه و ره آورد این تصدیم، سفرنامه

نویست که به چاپ رسیده است. شخصیت علمی و فرهنگی فرهاد میرزا بیشتر جالب توجه است و از او آثار دیگری بنام کثر الحساب، مقام زحار و مصمص

شار در مقتل حضرت حسین (ع)، منشات، جام جم، کنشکولرنیبل و نصاب انگلیسی به فارسی، مرکب از دو هزار کلمه به حای مانده، در هادام زهر پخته و

استعداد شاعری نیز داشته و بناه قول مورخین وی یکی از چهار فر شاعرزاده واصلی دوره قاجار بوده است.

فرهاد میرزا بعد از عسری التام و کوشش در سیاست و ادب به سال ۱۳۱۵ق. در تهران در گذشت و جنازه اش یک سال بعد با تشریفات خاصی از تهران به

سب عقیه مقدسه کاظمین حمل و در مقبره مخصوص مشهور به مقبره فرهادیه همدان گردید. بنگرید به: مقدمه سفرنامه فرهاد میرزا، تصحیح و تفسیر،

غلامرضا طباطبائی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۹-۱۱.

۳۱. کامران میرزا: پسر سوم ناصرالدین شاه ملقب به نایب السلطنه و امیرکبیر و دارای سمت وزیر جنگ و رئیس کلی قشون و ضمناً حکومت تهران و چند

حکومت و ایالت دیگر ایران نیز سالها وزیر نظری بوده است. کامران میرزا در سال ۱۲۷۷ متولد و در سال ۱۲۷۷ق. در سن شش سالگی به جای فیروز میرزا

نصرت الدوله (فرمانفرما) به معاونت پاشاخان امیرالملک حاکم تهران شد. در سال ۱۲۸۳ق. که ناصرالدین شاه عازم سفر خراسان بود کامران میرزا

نایب السلطنه زاده غائب خود در سن بازده سالگی به نیابت خویش منصوب نمود. سخن در مورد او بسیار است اما آنچه که گفتنی است اینکه او زبان فرانسه

و قدری آلمانی را می دانست و بیشتر عمر خود را نیز به حوشگدانی سپری نموده است. آخرین منصب او استانداری خراسان بوده که پس از عزل مدعی

در بیگاری و گرفتاری بسیاری نفس بسر برد تا سرانجام در سال ۱۳۰۷ق. در سن هفتاد و پنج سالگی در تهران در گذشت و در حضرت عبدالعظیم در مقبره

ناصرالدین شاه به خاک سپرده شد. برای اطلاع بیشتر دو مورد کامران

میرزا بنگرید به مهدی بامداد، شرح حال و حال ایران ... تهران، زوار، ۱۳۷۱ ح سوم، صص ۱۴۹-۱۶۱.

۳۲. میرزا کاظم فیلسوف الدوله رشتی (ملک الاطباء) در زمان سلطنت محمدشاه قاجار در یکی از خانواده‌های معروف و سرشناس رشت بدنیامد. وی پس از رشد و نمو و سپری نمودن علوم مقدماتی در محضر حکیم‌بانیان معروف به کسب معلومات علمی و عملی در شعبه طب نمود، وی پس از چندی به تهران رفت و در کنار حسین خان اصفهانی طبیب مخصوص محمدشاه و سپس ناصرالدین شاه شد. وی از مردان نیکوکار و خیر نیز بوده و قسمتی از املاک خود را وقف امور خیریه نمود و مدرسه‌ای به نام مدرسه فیلسوف در میدان‌ساعلی تهران ساخت. میرزا کاظم فیلسوف الدوله بعد از صد و بیست سال عمر و هشتاد سال خدمت در دیار و ممالک بیه‌بران دارفانی را وداع گفت. از بهترین آثار او می‌توان به کتاب حفظ‌الصحه ناصری اشاره کرد که به دست ناصردین شاه نوشته شده است. (مجله جهان پزشکی، سال دوازدهم، شماره دوم، صص ۷۱ و ۷۲).

۳۳. به نقل از خاطرات خانوادگی جناب آقای زین‌العابدین مومنی.

۳۴. رضائقی خان هدایت، مجمع‌الفصحاء به کوشش مظفر مصفا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۲۰، مجلد دوم، صص ۶۸۸ و نیز: روضه‌الصفای ناصری، تهران، خیا، ۱۳۳۸.

۳۵. نسخه خطی دیوان میرزا احمد صبور در اختیار جناب آقای زین‌العابدین مومنی قرار دارد که نگارنده این کتاب را از نزدیک دیده و توفیق نمود. این نسخه خطی در حال حاضر به زبور طبع آورده نشده است.

۳۶. لشکران، از شهرهای آذربایجان شوروی، بنگرید به: راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری بالیک، تهران، سازمان جغرافیایی، ۱۳۷۲، صص ۱۳۶.

۳۷. حاشیه صده اول از نسخه خطی دیوان میرزا احمد صبور که در اختیار جناب آقای زین‌العابدین مومنی قرار دارد.

۳۸. برگرفته از دست‌نوشته‌ها و خاطرات خانوادگی جناب آقای زین‌العابدین مومنی.

۳۹. محمود خان ملک الشعراء فرزند محمدحسین خان غنایب، ملوک‌الشعراء دربار محمدشاه قاجار و نیره فتحعلی خان صبا، ملوک‌الشعراء، فتحعلی شاه دخت است که در سال ۱۲۲۸ ق. در تهران چشم به جهان گشود. و علوم متداول زاده محضر عموی دانشمندش، محمد قاسم خان قزوینی (اگر گفت) به تدریس تدرک‌های این دوره در علم و ادب و هنر سرآمد ایران شد و با سرودن تصنیف‌های در مدح حاجی میرزا آقاسی، به دیار راه یابد. و به مستشاری و الله‌قلی خان ایلخانی، حاکم بروجرد و لرستان منصوب شد ... در زمان ناصرالدین به دیار راه یافت و مرتبه ملک‌الشعراء یافت. در همین منصب ماند تا در سال ۱۳۱۱ ق. درگذشت. محمود خان علاوه بر هنر شاعری، در خط و نغاشی و منبت کاری و دیگر هنرهای طریقه مهارت داشته و تابلوهای نقاشی او با امضای بنده آستان محصوره در موزه کاخ گلستان حکایت از ایران مهارت او دارد ... بنگرید به: اسعد خانی، تاریخ ادبیات ایران دوره بازگشت ادبی ... تهران، موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا، ۱۳۷۴، ج دوم، صص ۳۶۶.

۴۰. دیوان خطی میرزا احمد صبور، همان.

۴۱. به گفته جناب آقای زین‌العابدین مومنی که به یکی از عکسهای خانوادگی خود استناد می‌کردند. نگه‌داری بیماران در منزل شخصی، با بهبودی کامل را از خرافات مرحوم مومنی الاطباء می‌دانستند در عکس مورد اشاره زین‌العابدین ضمیمه همراه نامه فرزند خود دیده می‌شود که روی پای او طفلی اقیح تشنه که مومنی الاطباء این طفل را برای معالجه در خانه خود نگهداری می‌کرده و همچون فرزندان خود به او مهر می‌ورزیده است.

۴۲. راهنمای دانشکده پزشکی، داروسازی، بیمارستانها و ... همان.

۴۳. گنجینه دارو و درمان، صص ۱۹۵، به نقل از راهنمای دانشکده پزشکی، همان، صص ۵۴.

۴۴. میرزا ابوالحسن جان بهرامی فرزند میرزا عبدالوهاب نقرشی است که در سال ۱۲۶۱ ق. در طرخوران نقرش به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در ۱۲۸۰ ق. وارد شعبه طب مدرسه دارالفنون شد و در سال ۱۲۹۱ ق. فارغ‌التحصیل

گردید. وی برای چندین بار به معنی مدرسه طب انتخاب گردید. ولی بیشتر به خدمات دولتی از قبیل مبارزه با بیماری طاعون در رشت و مأموریت آذربایجان اشتغال داشته است. وی مدتی نیز به ریاست مریضخانه دولتی (بیمارستان ابن‌سینا) منصوب گردید.

۴۵. راهنمای دانشکده پزشکی، داروسازی، بیمارستانها و ... صص ۵۴ و ۵۵.

۴۶. آرشو سازمان اسناد ملی ایران، سندی است با شماره تنظیم و بانک ۶۱۰۰۱.۳۵۱۸.

۴۷. اختصاص‌السلطنه: علی‌قلی خان، پنجاه و چهارمین پسر فتحعلی شاه، در حدود سال ۱۲۳۶ ق. از بطن گل‌پیر هنر خاندان گرجی، پنجاه و دومین پسر فتحعلی شاه به دنیا آمد. علی‌قلی خان از جوانانی که موافقت دانش شوق و رغبت تمام داشت همواره از خواندن و نوشتن نمی‌انداخت و به کتاب چندان مانوس شده بود که آن را از خود جدا و رها نمی‌کرد ... مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه چون از دانش بسیار و فروتنی و وفاداری علی‌قلی خان آگاه شد او را به پیشکاری و ندیمی و زبیری خویش برگزید و میان این دو روابطی سحت دوستانه و ناگسستی ایجاد شد. بعد از این از تشکیل دارالفنون اختصاص‌السلطنه از سوی ناصرالدین شاه مأمور شد که با کمک میرزا کاظم خان و کوشش اثریسی و سایرین نصب و ادب کردن تلگراف را در تهران فراهم آورد. از کارهای مهم اختصاص‌السلطنه که در تاریخ ۱۲۷۵ ق. صورت پذیرفت کشیدن خط تلگراف از ری‌تخت به سلطانیه است که بخاطر تقایر از این خدمت شاه به او جوایزی مخصوص مرحمت و او را وزیر علوم کرد ... همچنین وی در سال ۱۲۸۷ ق. از سوی شاه به عضویت دارالشورای دولتی درآمد. باری اختصاص‌السلطنه با وجود وظایف سنگین و گوناگونی که شاه به او سپرده بود در نظر داشت دایره‌المعارف جامع و معتبری تألیف و طبع کند که عموماً کفایت بدهد و سرانجام وی پس از بیست و دو سال وزارت روز عاشورای ۱۲۸۹ ق. درگذشت و در یکی از حجره‌های جنب مزار حضرت عبدالعظیم به خاک حفت. از او آثاری چون فنک‌السعاده، اللغات العظیمه، تاریخ افغانستان، رساله‌ای در علم موسیقی، التکید للتاریخ و رسالاتی در شرح اصول حضرت خذ العظیم، انام‌الاراده حمزه، انام‌الاراده عبدالله به جای مانده است. بنگرید به: آقباقر یغمایی، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵، صص ۱۵۰.

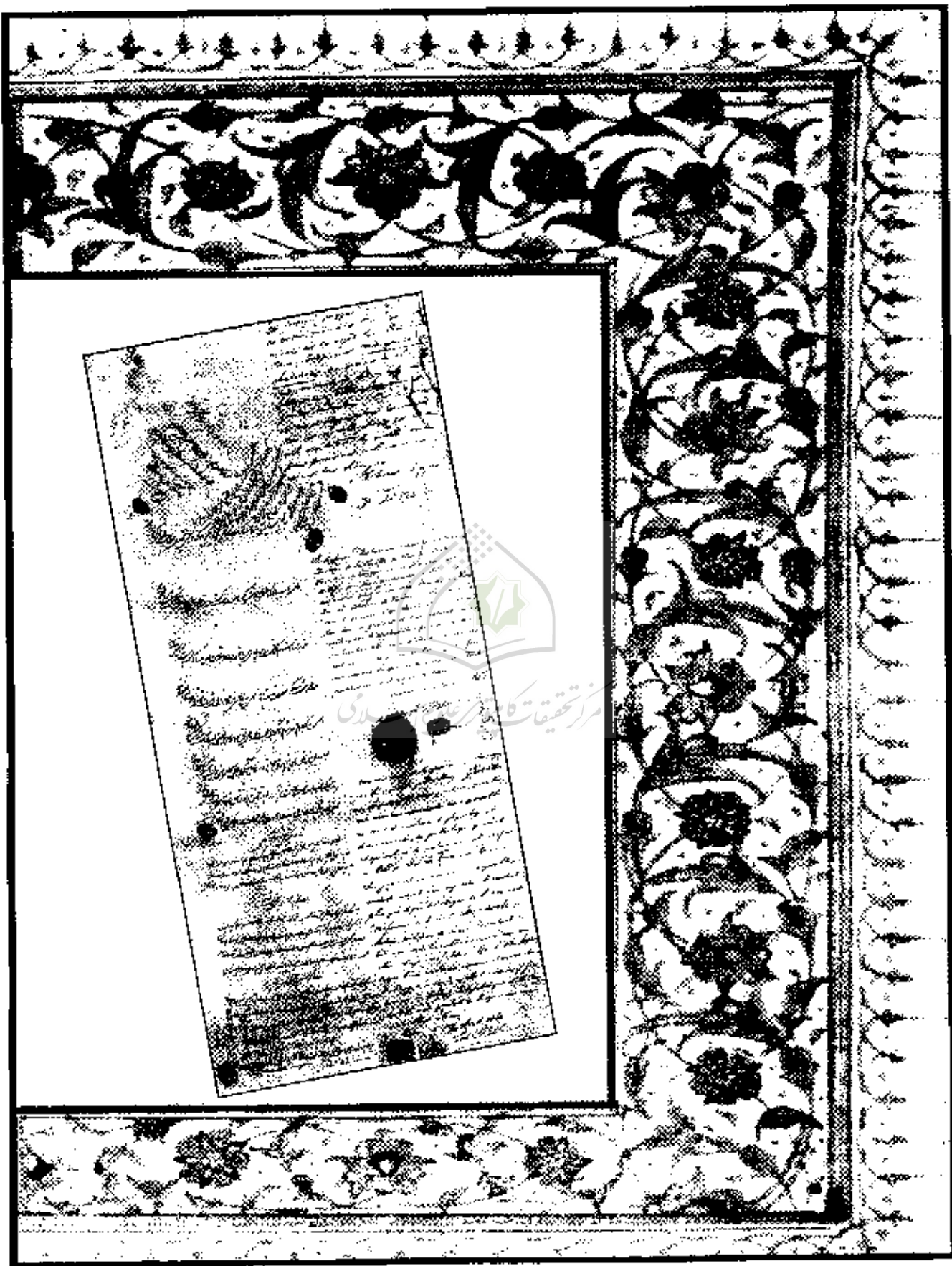
۴۸. این سند تصدیق‌نامه طبابت مومنی الاطباء محسوب می‌شود که با عنایت جناب آقای مومنی نو ذین‌العابدین خان مومنی اطباء در اختیار مزار گرفت و تصویری از آن نیز به سازمان اسناد ملی ایران اهداء شد.

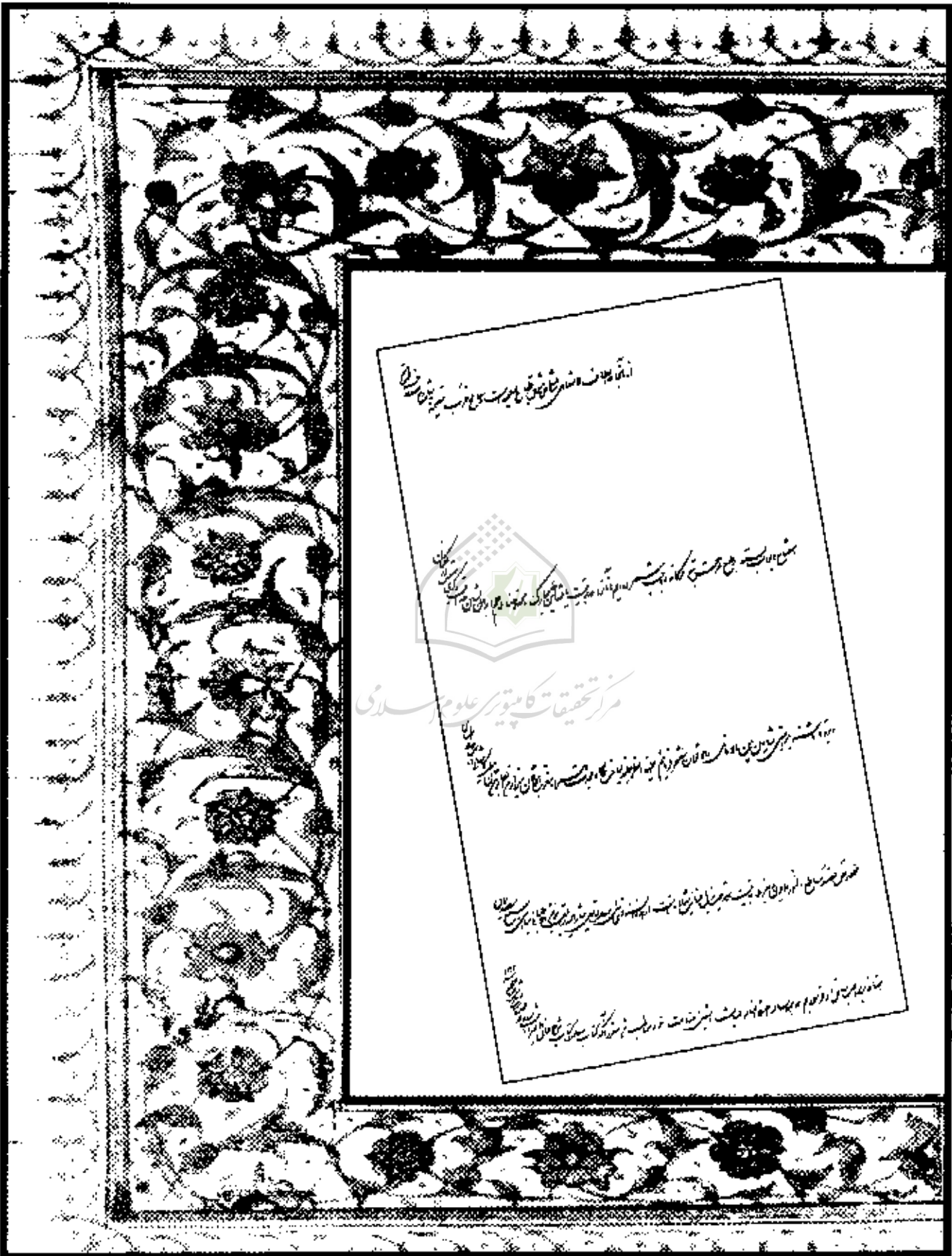
۴۹. آرشو سازمان اسناد ملی ایران، اسناد اهدایی مربوطه مومنی الاطباء. در متن سند خط سیاق نیز به کار رفته بود که در حین بازبینی سند به جای آن نقطه چین گذاشته و خط سیاق خوانده نشده است.

۵۰. آرشو سازمان اسناد ملی ایران، اسناد اهدایی مربوطه مومنی الاطباء تاریخ سند مشخص نیست.

۵۱. آرشو سازمان اسناد ملی ایران، همان، سند مازالتبصایحه‌ای است که در عصر رضاشاه ۱۳۰۸ ق. بین افراد خانوادگی و بیمارستان‌های مومنی الاطباء اهداء شده است.

یادکرد: در پایان بر خود فرض می‌دانم که از جناب آقای زین‌العابدین مومنی نو مرحوم زین‌العابدین مومنی الاطباء که مال سید، گنجی و استادان قبلی خود را تقدیم دارم. ایشان از اساتید و معینین دانشوز و فاضل آموزش و پرورش و دانشورانی عالی بوده‌اند و تابعان و درین هم در زمینه ادبیات ایران، به جامعه علم و تحقیق عرضه داشته‌اند. هم‌اکنون ایران باسوسی حدود ۸۷ سال در کسوت بازسنسنگی به سر می‌برد و در حفظ آثار و اسناد تاریخی خویش تلاش و همت و صفت ناپذیری از خود نشان داده‌اند. گفتمی است که بواقی تنظیم این معارف، اطلاعات، اسناد و عکس‌های زیاد که جناب مومنی در اختیار نگارنده قرار دادند، بسیار حائمی و حائز اهمیت بود. جدا از آن محقق و استادان محمد جناب آقای دکتر محمود روح‌الامینی که زمینه آشنایی این جناب را با کتاب آقای زین‌العابدین مومنی فراهم آوردند که آن‌ها را تشکر و تقدیم از خانواده مهربان سلامت و سعادت آن بزرگواران را خواستارم.





آقایان و سرکارشان در این روزها با ما در این روزها

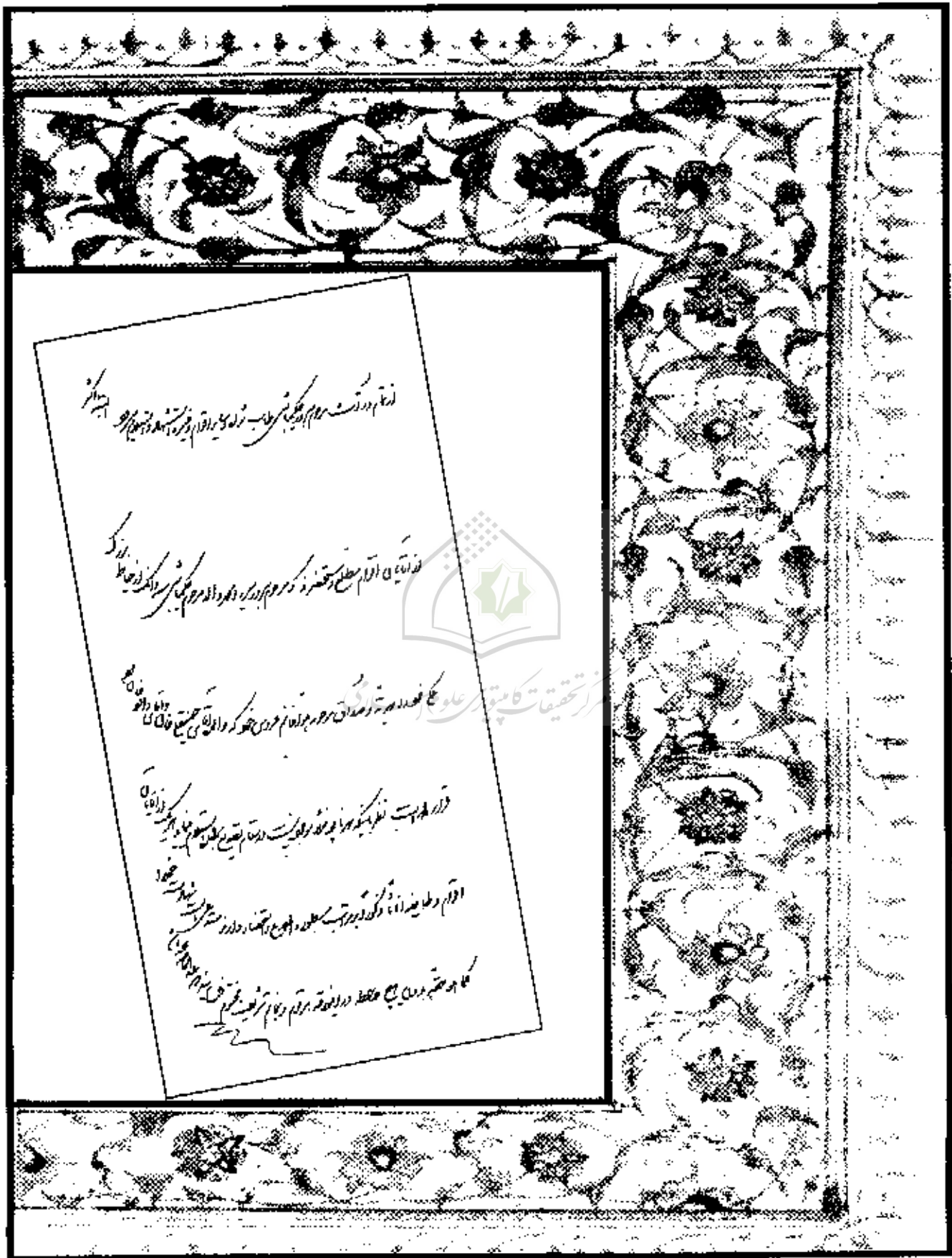
مجلس با هیئت روح حقیقی که در این روزها در این روزها

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

پیشروان و پیشروان در این روزها در این روزها

عزیزان و عزیزان در این روزها در این روزها

شادان و شادان در این روزها در این روزها



لنقام در دست مردم که بگویند که این است که در دست ما قرار گرفته است و در دست ما قرار گرفته است

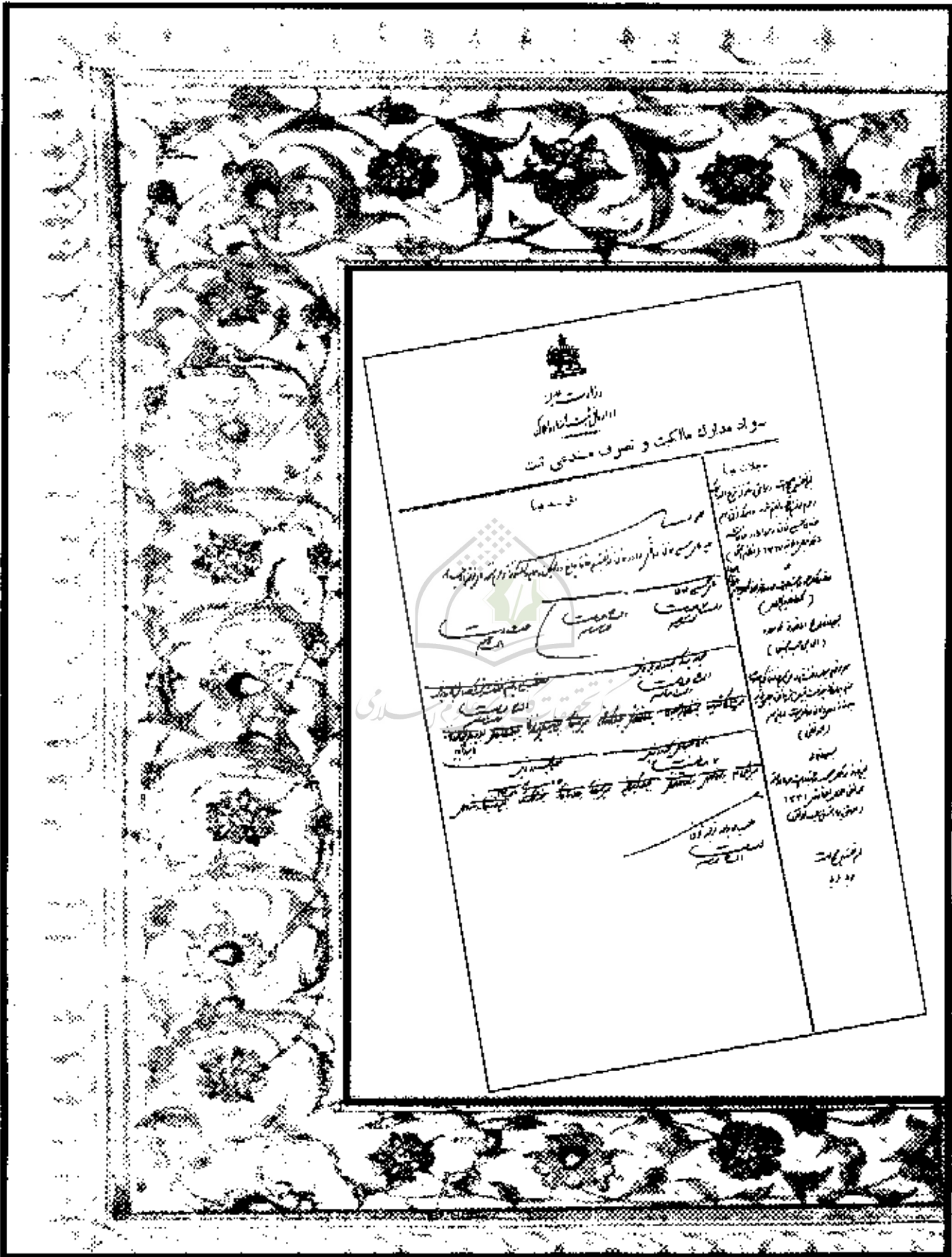
فدایای آن امام معصوم است که در مردم در دست ما قرار گرفته است و در دست ما قرار گرفته است

در دست ما قرار گرفته است و در دست ما قرار گرفته است و در دست ما قرار گرفته است

در دست ما قرار گرفته است و در دست ما قرار گرفته است و در دست ما قرار گرفته است

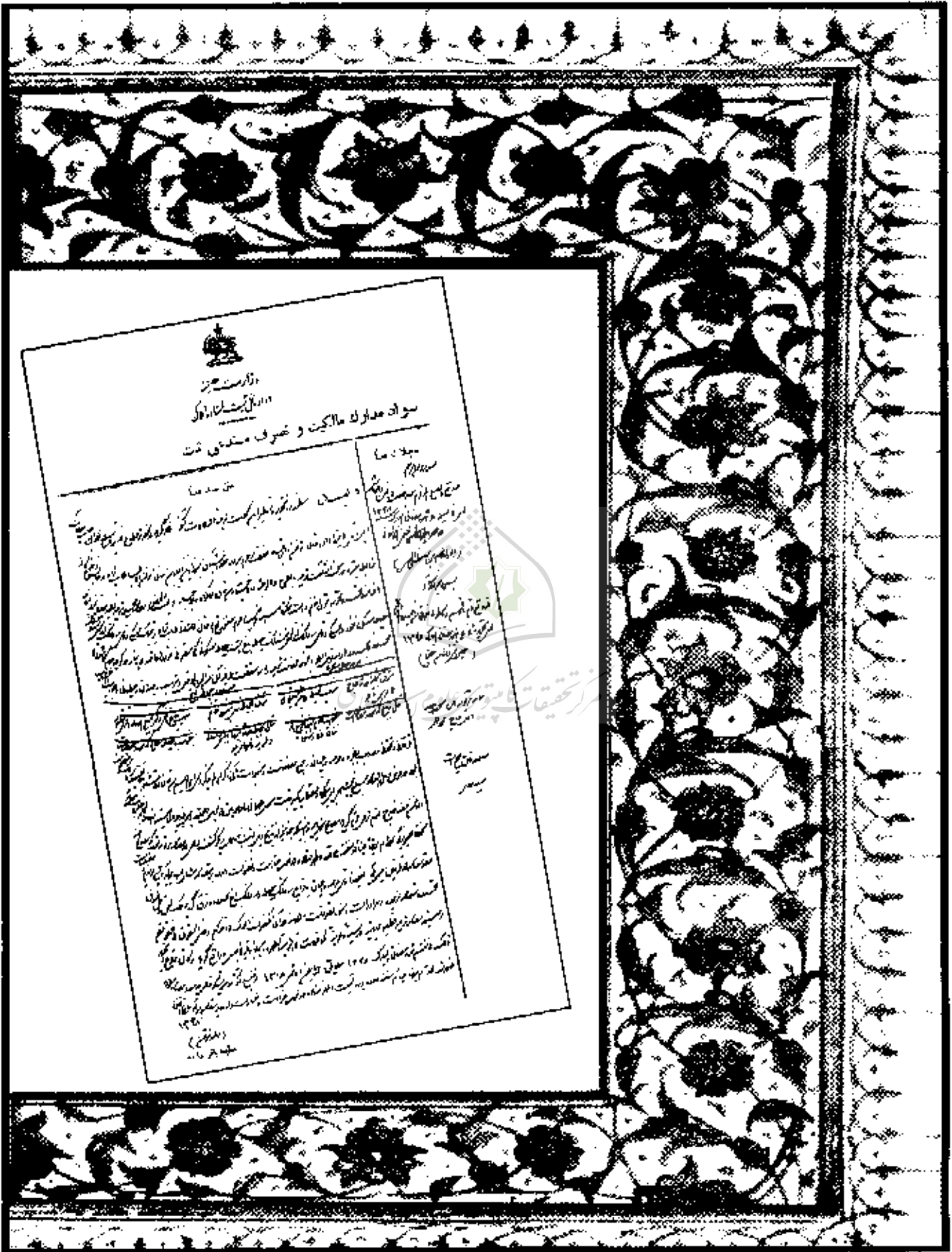
در دست ما قرار گرفته است و در دست ما قرار گرفته است و در دست ما قرار گرفته است

در دست ما قرار گرفته است و در دست ما قرار گرفته است و در دست ما قرار گرفته است



وزارت آموزش عالی
اداره کل اسناد و کتابخانه ملی
سواد مدارک مالکیت و تصرف سندین است

ردیف	شرح سند	تاریخ	محل ثبت	ملاحظات
1	سند مالکیت زمین	1340	شماره 1234	این سند در دفتر اسناد رسمی تهران ثبت شده است.
2	سند تصرف زمین	1345	شماره 5678	این سند در دفتر اسناد رسمی تهران ثبت شده است.
3	سند مالکیت ساختمان	1350	شماره 9012	این سند در دفتر اسناد رسمی تهران ثبت شده است.
4	سند تصرف ساختمان	1355	شماره 3456	این سند در دفتر اسناد رسمی تهران ثبت شده است.
5	سند مالکیت خودرو	1360	شماره 7890	این سند در دفتر اسناد رسمی تهران ثبت شده است.
6	سند تصرف خودرو	1365	شماره 2345	این سند در دفتر اسناد رسمی تهران ثبت شده است.
7	سند مالکیت ملک	1370	شماره 6789	این سند در دفتر اسناد رسمی تهران ثبت شده است.
8	سند تصرف ملک	1375	شماره 1234	این سند در دفتر اسناد رسمی تهران ثبت شده است.



دولت ایران
وزارت معاشیات و اقتصاد

سواد مدارك مالکیت و تصرف مستحقان

محلان ما
 ۱۳۳۵
 تاریخ ۱۳۳۵/۰۱/۰۱
 در خصوص مالکیت و تصرف مستحقان
 در خصوص زمینهای دولتی
 در خصوص زمینهای ملی
 در خصوص زمینهای عمومی
 در خصوص زمینهای خاص
 در خصوص زمینهای اختصاصی
 در خصوص زمینهای وقفی
 در خصوص زمینهای اوقافی
 در خصوص زمینهای خیریه
 در خصوص زمینهای فاضلابی
 در خصوص زمینهای کشاورزی
 در خصوص زمینهای باغی
 در خصوص زمینهای مسکونی
 در خصوص زمینهای تجاری
 در خصوص زمینهای صنعتی
 در خصوص زمینهای ترابری
 در خصوص زمینهای دفاعی
 در خصوص زمینهای امنیتی
 در خصوص زمینهای استراتژیک
 در خصوص زمینهای تاریخی
 در خصوص زمینهای فرهنگی
 در خصوص زمینهای علمی
 در خصوص زمینهای ورزشی
 در خصوص زمینهای تفریحی
 در خصوص زمینهای گردشگری
 در خصوص زمینهای زیست‌محیطی
 در خصوص زمینهای انرژی
 در خصوص زمینهای مخابراتی
 در خصوص زمینهای فضایی
 در خصوص زمینهای نوین
 در خصوص زمینهای آینده

تاریخ ۱۳۳۵/۰۱/۰۱
محلان ما
۱۳۳۵